

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Structure of Military Courts in Crimes Against Security in the Criminal Justice Systems of Iran and Iraq

Ahmed Hussein Ali Alrekabi¹, Masoud Heidari^{*2}, Samah Hussein Ali³, Mahmoud Ashrafi Mahabadi¹

1. Department of Criminal Law and Criminology, Is.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Department of Law, Is.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

3. Professor, Department of Law, Faculty of Law, University of Babylon, Babylon, Iraq.

* Corresponding Author's Email: heidari5525@iau.ac.ir

ABSTRACT

Security is one of the most fundamental values and concerns for all countries and legal systems. The undeniable importance of security for contemporary human societies has led all legal frameworks to criminalize behaviors that, in any way, compromise the sustainable security of society and expose it to threat and danger. Such behaviors are often met with punishments that are relatively more severe and stringent than those applied to other offenses. National security and sovereignty have always been paramount values for nations. Despite modern efforts to establish a form of supranational federalism, governments today consider the protection of internal and external security among their most critical responsibilities and obligations. A portion of this protective role is delegated to the criminal justice system, which fulfills this mandate through the criminalization of military offenses against national security. Given the value historically placed on sovereignty and security by various nations and in light of the rulers' consistent efforts to maintain their power and authority—and the dangers that military crimes against security may pose to their sovereignty and independence—strict regulations concerning military offenses against security have long existed in nearly all nations. Some scholars even argue that such regulations precede those related to other crimes and general criminal law in terms of historical development. Accordingly, any action that in some way targets the foundations and structure of state sovereignty and tarnishes security, sovereignty, and public order has been considered a crime against sovereignty and security and has typically been met with harsh punishments. In both Iran and Iraq, the criminal procedure governing military crimes against security is rigorous, characterized by the application of strict sanctions and, in many cases, the exclusion of lenient, mitigating, or discretionary legal mechanisms and institutions.

Keywords: *military courts, crimes against security, jurisdiction of general courts, Iran's criminal justice system, Iraq's criminal justice system.*

How to cite: Alrekabi, A. H. A., Heidari, M., Hussein Ali, S., & Ashrafi Mahabadi, M. (2024). Structure of Military Courts in Crimes Against Security in the Criminal Justice Systems of Iran and Iraq *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(4), 313-331.



تاریخ ارسال: ۲۱ آبان ۱۴۰۳
تاریخ بازنگری: ۲۵ دی ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۶ بهمن ۱۴۰۳
تاریخ چاپ: ۱۰ اسفند ۱۴۰۳

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

ساختار محاکم نظامی در جرایم علیه امنیت در نظام کیفری ایران و عراق

احمد حسین علی الرکابی^۱، مسعود حیدری^{۲*}، سماح حسین علی^۳، محمود اشرافی مهابادی^۴

۱. گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۳. استاد، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه بابل، بابل، عراق.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: heidari5525@iau.ac.ir

چکیده

امنیت، برای همه کشورها و نظام‌های حقوقی، یکی از مهم‌ترین ارزش‌ها و دغدغه‌هاست. اهمیت بی‌چون و چرای امنیت برای جوامع بشری امروز تمام نظامات حقوقی را بر آن داشته است تا رفتارهایی که به نحوی، امنیت پایدار جامعه را خدشه دار کرده و با تهدید و مخاطره روبرو می‌کنند، جرم انگاری کرده و بعضاً با مجازات‌های به نسبت شدیدتر و سخت‌تر از مجازات‌های دیگر، مواجه کنند. امنیت و حاکمیت ملی، همواره مهم‌ترین ارزش برای ملت‌ها بوده و علیرغم تلاش‌هایی که در دوران معاصر برای ایجاد نوعی فدرالیسم فراملی انجام شده است، امروزه دولت‌ها صیانت از امنیت داخلی و خارجی کشور را در زمره مهم‌ترین وظایف و تکالیف خود می‌پندارند. بخشی از فرایند صیانت و پاسداری از امنیت، به نظام کیفری سپرده شده است و نظام کیفری، این صیانت را با جرم انگاری جرائم نظامی علیه امنیت، عملی می‌سازد. با توجه به ارزشی که ملل گوناگون، همیشه برای حاکمیت و امنیت خود قائل بوده‌اند و با عنایت به تلاشی که حاکمان در راستای حفظ قدرت و حاکمیت خود و خطراتی که جرائم نظامی علیه امنیت می‌توانند برای حاکمیت و استقلال آن‌ها ایجاد نمایند، از قدیم الایام، مقررات سختی راجع به جرائم نظامی علیه امنیت در تمام ممالک دنیا وجود داشته است. حتی برخی، این مقررات را از نظر زمانی، مقدم بر مقررات راجع به سایر جرائم و مقررات مربوط به حقوق جزای عمومی می‌دانند. بر این اساس، هر عملی که به نحوی، ساختار و ریشه‌های حاکمیت را نشانه می‌گرفت و به نحوی، امنیت، حاکمیت و نیز امنیت عمومی حاکم بر جامعه را لکه دار می‌کرد، جرم علیه حاکمیت و جرم علیه امنیت به شمار می‌آمده و معمولاً هم با مجازات‌های سختی مواجه می‌شده است. در هر دو کشور ایران و عراق، آیین دادرسی کیفری راجع به جرائم نظامی علیه امنیت، سختگیرانه و همراه با اعمال ضمانت اجرای شدید و بعضاً همراه با عدم امکان نهادها و راهکارهای ارفاقی و تخفیفی و تسامحی است.

کلیدواژگان: محاکم نظامی، جرایم علیه امنیت، صلاحیت محاکم عمومی، نظام کیفری ایران، نظام کیفری ایران عراق

نحوه استناددهی: حسین علی الرکابی، احمد، حیدری، مسعود، حسین علی، سماح. و اشرافی مهابادی، محمود. (۱۴۰۳). ساختار محاکم نظامی در جرایم علیه امنیت در نظام کیفری ایران و عراق. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۲(۴)، ۳۱۳-۳۳۱.



نظامی پیش‌بینی شده و در صورت لزوم، فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور قابل انجام است. چنین ساختاری با هدف حفظ نظم و انضباط نیروهای مسلح، جلوگیری از افشای اطلاعات طبقه‌بندی‌شده، و رسیدگی تخصصی و سریع به جرایم امنیتی طراحی شده است.

در مقابل، در نظام حقوقی عراق، قانون دادرسی کیفری نظامی مصوب ۱۹۵۸ و قانون مجازات عراق مصوب ۱۹۶۹ مبنای اصلی تشکیل و فعالیت محاکم نظامی را مشخص می‌کنند. طبق این قوانین، محاکم نظامی عراق به جرایم ارتكابی توسط نظامیان در حین انجام وظیفه، از جمله جرایم علیه امنیت ملی، رسیدگی می‌کنند. ساختار محاکم نظامی عراق شامل دادگاه نظامی ابتدایی به‌عنوان مرجع نخستین، دادگاه تجدیدنظر نظامی و در نهایت دیوان عالی نظامی به‌عنوان مرجع عالی و نهایی نظارت و فرجام‌خواهی است.

در این نظام، تحقیقات مقدماتی توسط ضابطان قضایی نظامی (ضباط القضایی العسکرین) انجام می‌شود. پرونده‌ها پس از تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست به دادگاه نظامی ابتدایی ارجاع می‌شوند. در صورت اعتراض به حکم، امکان تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر نظامی و نهایتاً رسیدگی نهایی در دیوان عالی نظامی فراهم است. با توجه به سوابق تاریخی عراق، از جمله کودتاها و شرایط بی‌ثباتی سیاسی، ساختار محاکم نظامی این کشور، خصوصاً در رسیدگی به جرایم علیه امنیت، از سخت‌گیری و حساسیت بیشتری برخوردار بوده و جلسات آن اغلب به‌صورت محرمانه برگزار می‌شود.

صلاحیت محاکم عمومی و نظامی در جرایم نظامیان علیه امنیت
جرایم علیه امنیت کشور، به‌ویژه اگر توسط نظامیان ارتکاب یابد، از حساس‌ترین جرایم در نظام‌های حقوقی محسوب می‌شود. به‌طور کلی، در اکثر کشورها میان صلاحیت محاکم عمومی و نظامی تفاوت‌هایی وجود دارد. تشخیص مرجع صالح رسیدگی به

مسئله امنیت ملی همواره از اساسی‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها و جوامع بوده و ارتکاب جرایم علیه امنیت، به‌ویژه از سوی نیروهای مسلح، تهدیدی مستقیم علیه حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی کشورها به شمار می‌آید. اهمیت این موضوع موجب شده است تا اکثر نظام‌های حقوقی، رسیدگی به این دسته از جرایم را از سایر جرایم متمایز کرده و محاکم اختصاصی برای آن در نظر گیرند. در این میان، ایران و عراق نیز هر یک با توجه به بافت حقوقی و سیاسی خود، ساختار خاصی برای محاکم نظامی طراحی کرده‌اند تا به جرایم نظامیان، خصوصاً جرایم علیه امنیت، به نحو تخصصی و دقیق رسیدگی شود.

در نظام حقوقی ایران، مبنای اساسی تشکیل محاکم نظامی در اصل ۱۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نهاده شده است. به موجب این اصل، برای رسیدگی به جرایم خاص مربوط به وظایف نظامی یا انتظامی اعضای نیروهای مسلح، محاکم نظامی تشکیل می‌شود، اما رسیدگی به جرایم عمومی آن‌ها یا جرایمی که خارج از وظایف خاص نظامی یا انتظامی باشد، در صلاحیت محاکم عمومی است. ساختار این محاکم، با محوریت «سازمان قضایی نیروهای مسلح» که زیر نظر قوه قضاییه فعالیت می‌کند، طراحی شده و شامل دادرها و دادگاه‌های نظامی می‌شود.

دادگاه‌های نظامی ایران به دو سطح تقسیم می‌شوند: دادگاه نظامی یک و دادگاه نظامی دو. دادگاه نظامی یک صلاحیت رسیدگی به جرایم مهم‌تر و سنگین‌تر، از جمله جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور را دارد. در مقابل، دادگاه نظامی دو به جرایم کم‌اهمیت‌تر و مواردی با مجازات حبس تا دو سال رسیدگی می‌کند. در این ساختار، ابتدا دادرای نظامی به‌عنوان مرجع تحقیق و تعقیب، تحت نظر دادستان نظامی فعالیت می‌کند و پس از اتمام تحقیقات مقدماتی، پرونده برای صدور رأی به دادگاه نظامی ارجاع داده می‌شود. همچنین، امکان تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر

این جرایم، از منظر تضمین دادرسی عادلانه، استقلال قوه قضائیه و رعایت حقوق متهم، اهمیت بسیار زیادی دارد.

صلاحیت در حقوق ایران، به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین آیین دادرسی، نشان دهنده حدود و اختیارات مراجع قضایی در رسیدگی به دعاوی و جرایم مختلف است. مفهوم صلاحیت در نظام قضایی ایران بر دو مبنای اصلی تقسیم می شود: صلاحیت ذاتی و صلاحیت محلی. صلاحیت ذاتی به ماهیت، نوع، اهمیت و درجه جرم یا دعوا بستگی دارد و مشخص می کند که کدام مرجع قضایی (عمومی، انقلاب، نظامی، یا اختصاصی) صالح به رسیدگی است (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲).

مطابق با اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مراجع قضایی باید بر اساس صلاحیت های مصرح در قانون و بدون مداخله سایر قوا، به صورت مستقل به رسیدگی بپردازند (اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). قانون گذار ایرانی در مواد مختلف قانون آیین دادرسی کیفری، قواعد دقیقی برای تشخیص صلاحیت پیش بینی کرده است. ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تصریح می کند که «مرجع قضایی باید پیش از ورود به ماهیت، ابتدا به صلاحیت خود رسیدگی کند و در صورت فقدان صلاحیت، قرار عدم صلاحیت صادر نماید» (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲).

صلاحیت محلی نیز بر اساس محل وقوع جرم یا محل اقامت متهم یا خوانده تعیین می شود. هدف از این نوع صلاحیت، تسهیل دسترسی طرفین به عدالت، کاهش هزینه های دادرسی و سرعت بخشی به فرایند رسیدگی است. ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری، محل وقوع جرم را به عنوان اصل در تعیین صلاحیت محلی معرفی کرده و در عین حال استثنائاتی برای موارد خاص پیش بینی نموده است (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲). در کنار صلاحیت ذاتی و محلی، در نظام حقوقی ایران صلاحیت شخصی نیز مطرح می شود. بر اساس این نوع صلاحیت، جایگاه یا

شغل فرد (مانند مقامات عالی رتبه، نمایندگان مجلس یا نظامیان) می تواند بر مرجع صالح رسیدگی تأثیر بگذارد. به عنوان نمونه، جرایم ارتكابی توسط نظامیان در حیطه خدمت یا به مناسبت آن، در صلاحیت دادگاه های نظامی قرار می گیرد (قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، ۱۳۸۲).

همچنین، قانون اساسی ایران در اصل ۱۷۲ تصریح می کند که «برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای نیروهای مسلح، محاکم نظامی تشکیل می شود، ولی رسیدگی به جرایم عمومی آنان یا جرایم مشمول مقررات عمومی، در دادگاه های عمومی انجام می پذیرد». این اصل نشان دهنده رویکرد دقیق قانون گذار در مرزبندی میان صلاحیت محاکم عمومی و نظامی است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸).

از دیدگاه سیاست قضایی، تفکیک دقیق صلاحیت ها در نظام حقوقی ایران، تضمین کننده اصل دادرسی عادلانه و رعایت حقوق دفاع متهمان است. رعایت صلاحیت های قانونی از سوءاستفاده احتمالی از فرآیند دادرسی، اطلاع دادرسی یا صدور آرای متناقض جلوگیری می کند (آخوندی، ۱۳۹۷).

در نهایت، می توان گفت که صلاحیت در حقوق ایران، بنیان شفافیت، تخصص گرایی و عدالت در نظام قضایی کشور را تشکیل می دهد. این ساختار به نحوی طراحی شده است که هر مرجع قضایی، در حدود وظایف و اختیارات خود، بتواند به نحو مؤثر و کارآمد به حل و فصل اختلافات و رسیدگی به جرایم بپردازد و بدین وسیله اعتماد عمومی به دستگاه قضایی تقویت شود.

الف) مبنای قانونی

قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۲

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اصلاحی ۱۳۹۴

در صلاحیت محاکم جزایی عمومی قرار دارند، در حالی که جرایم خاص از جمله جرایم علیه امنیت ملی، جرایم تروریستی و جرایم نظامی، به طور معمول در صلاحیت محاکم ویژه امنیتی یا نظامی قرار می‌گیرند (قانون اصول محاکمات جزایی عراق، ۱۹۷۱).

صلاحیت محلی نیز بر اساس محل وقوع جرم یا محل اقامت متهم تعیین می‌شود. در عراق، اصل بر این است که پرونده در همان منطقه‌ای که جرم در آن رخ داده مورد رسیدگی قرار گیرد تا دسترسی به شهود و ادله آسان‌تر شده و دادرسی با سرعت بیشتری انجام پذیرد (Al-Janabi, 2019).

صلاحیت شخصی از دیگر جنبه‌های مهم نظام قضایی عراق است. طبق قوانین کیفری این کشور، برخی از مقامات دولتی، نظامیان و کارکنان ارگان‌های امنیتی، در صورتی که جرم مربوط به وظایف رسمی آن‌ها باشد، باید در محاکم ویژه نظامی یا اداری محاکمه شوند. ماده ۲۴ قانون دادگاه‌های نظامی عراق مصوب ۲۰۵۰ (اصلاحیه‌های پس از ۲۰۰۳) تأکید می‌کند که اعضای نیروهای مسلح در صورت ارتکاب جرایم مرتبط با وظایف خدمتی، تحت صلاحیت محاکم نظامی قرار می‌گیرند (قانون دادگاه‌های نظامی عراق، ۲۰۰۵).

علاوه بر این، در عراق مفهوم «صلاحیت استثنایی» نیز به چشم می‌خورد. این صلاحیت مربوط به وضعیت‌های اضطراری یا فوق‌العاده است که در آن، دولت می‌تواند برخی محاکم ویژه یا استثنایی ایجاد کند. به‌ویژه در دوره‌های پس از سقوط رژیم صدام حسین و در زمان مقابله با گروه‌های تروریستی مانند داعش، استفاده از صلاحیت‌های استثنایی برای محاکمه سریع و قاطع متهمان، به‌طور گسترده در عراق رایج شد (Al-Mawlawi, 2020).

از منظر سیاست کیفری، ساختار صلاحیت در عراق به گونه‌ای طراحی شده است که ضمن رعایت اصل تفکیک قوا و استقلال دستگاه قضایی، امنیت ملی و نظم عمومی کشور حفظ شود.

طبق ماده ۵۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری، به جرایم عمومی نظامیان که ارتباطی با وظایف و مأموریت‌های خاص نظامی ندارند، در دادگاه‌های عمومی رسیدگی می‌شود. اما جرایمی که مرتبط با وظایف نظامی، یا به‌طور کلی «جرایم نظامی» تلقی شوند، در صلاحیت محاکم نظامی قرار می‌گیرند.

ب) مرجع رسیدگی به جرایم علیه امنیت مطابق قانون، جرایم نظامیان علیه امنیت داخلی و خارجی کشور (مانند خیانت، جاسوسی، کودتا، یا اجتماع و تبانی علیه امنیت) به دلیل ارتباط مستقیم با وظایف نظامی، در صلاحیت دادگاه‌های نظامی قرار می‌گیرد.

ج) استثنائات

در برخی موارد، اگر جرم ارتكابی نظامی وصف عمومی و غیرنظامی داشته باشد (مثلاً قتل عمد یک شهروند در شرایط عادی)، رسیدگی به آن در صلاحیت محاکم عمومی است، حتی اگر مرتکب نظامی باشد.

صلاحیت در حقوق عراق، به‌عنوان یکی از اصول اساسی نظام قضایی این کشور، بیانگر حدود و اختیارات محاکم در رسیدگی به دعاوی و جرایم مختلف است. قانون اساسی عراق مصوب ۲۰۰۵، به‌عنوان بالاترین سند حقوقی کشور، اصول کلی صلاحیت را در مواد مختلف به‌ویژه در بخش قوه قضائیه مشخص کرده است. مطابق ماده ۸۹ قانون اساسی عراق، قوه قضائیه مستقل از سایر قوا بوده و رسیدگی به کلیه دعاوی، صرفاً بر اساس قانون و در چارچوب صلاحیت‌های مصرح در قوانین عادی انجام می‌شود (قانون اساسی عراق، ۲۰۰۵).

صلاحیت محاکم در عراق به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود: صلاحیت ذاتی و صلاحیت محلی. صلاحیت ذاتی بر اساس نوع و ماهیت دعوا یا جرم مشخص می‌شود و به‌طور مستقیم تعیین می‌کند که کدام مرجع قضایی صالح به رسیدگی است. به موجب قانون اصول محاکمات جزایی عراق مصوب ۱۹۷۱، جرایم عمومی

قانون‌گذار عراقی با تفکیک دقیق میان انواع صلاحیت‌ها، تلاش کرده از تداخل میان محاکم مختلف جلوگیری کند و دادرسی‌ها را به صورت عادلانه و تخصصی انجام دهد ([Human Rights Watch, 2022](#)).

در نهایت، می‌توان گفت صلاحیت در حقوق عراق، مبتنی بر اصول قانونی و منطبق با شرایط سیاسی و امنیتی کشور طراحی شده است. ساختار صلاحیت‌های قضایی در عراق، علاوه بر تضمین حق دادرسی عادلانه، نقش مهمی در حفظ حاکمیت ملی و تقویت مشروعیت نظام قضایی ایفا می‌کند.

در حقوق عراق، با توجه به قانون دادرسی کیفری نظامی مصوب ۱۹۵۸ و قانون مجازات عراق (۱۹۶۹):

جرایم مرتبط با وظایف نظامی، از جمله جرایم علیه امنیت ملی که توسط نظامیان ارتکاب یابد، در صلاحیت محاکم نظامی (المحاکم العسکریه) قرار می‌گیرد. جرایم عمومی نظامیان در خارج از خدمت یا بدون ارتباط با مأموریت نظامی، در صلاحیت محاکم عمومی کیفری بررسی می‌شود. در عراق، به دلیل سابقه کودتاها و بی‌ثباتی‌های سیاسی، صلاحیت محاکم نظامی نسبت به جرایم امنیتی به‌ویژه حساسیت بالایی داشته و دولت همواره تلاش کرده است رسیدگی‌ها را به‌طور سریع و قاطع در این محاکم انجام دهد. در هر دو کشور ایران و عراق، جرایم نظامیان علیه امنیت ملی به‌عنوان تهدیدی مستقیم علیه حاکمیت و تمامیت ارضی کشور محسوب شده و در صلاحیت محاکم نظامی قرار دارد. با وجود برخی انتقادات، سیاست جنایی دو کشور بر این باور استوار است که محاکم نظامی به دلیل تخصص و اقتضائات امنیتی، صلاحیت بهتر و موثرتری برای رسیدگی به این دسته از جرایم دارند.

جایگاه اصل صلاحیت محاکم عمومی در حقوق ایران

اصل صلاحیت محاکم عمومی به‌عنوان یکی از اصول بنیادین دادرسی در حقوق ایران، جایگاه ویژه‌ای در ساختار قضایی کشور دارد. بر اساس این اصل، اصل بر صلاحیت عام و همگانی محاکم

عمومی در رسیدگی به کلیه دعاوی و شکایات است، مگر در مواردی که قانون به‌صراحت مرجع دیگری را مشخص کرده باشد ([Shambayati, 2018](#)).

در نظام حقوقی ایران، قانون اساسی و قوانین عادی هر دو به این اصل اشاره دارند. اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق دادخواهی را برای همه افراد به رسمیت شناخته و مقرر داشته است که «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور رسیدگی به شکایت خود به دادگاه‌های صالح مراجعه نماید». این اصل به‌طور ضمنی دلالت بر صلاحیت محاکم عمومی دارد، چرا که محاکم عمومی به‌عنوان مرجع اصلی و صالح برای رسیدگی به دعاوی مردم تعیین شده‌اند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸، اصل ۳۴).

همچنین در ماده ۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی، تصریح شده است که «رسیدگی نخستین به دعاوی، جز در مواردی که قانون مرجع دیگری را مشخص کرده باشد، در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است» (قانون آیین دادرسی مدنی، ۱۳۷۹، ماده ۲۰). این ماده بیان‌گر این است که صلاحیت محاکم عمومی، اصل و صلاحیت محاکم اختصاصی، استثناء است و باید به‌صورت مضیق تفسیر گردد ([Shambayati, 2018](#)).

وجود اصل صلاحیت عام محاکم عمومی با اهداف متعددی از جمله تأمین عدالت، تضمین وحدت رویه، جلوگیری از پراکندگی و موازی‌کاری در مراجع قضایی و تضمین حق دسترسی آزاد به عدالت، پیوند خورده است. اگر قرار باشد هر دسته از دعاوی به مراجع خاصی ارجاع شود، نه تنها بار اضافی بر دوش نظام قضایی وارد می‌شود بلکه اصل برابری شهروندان در برابر قانون نیز دچار خدشه می‌گردد ([Sajjadi, 2021](#)).

از منظر عملی نیز، صلاحیت محاکم عمومی به‌عنوان «مرجع عام» در ساختار قضایی ایران، به‌طور وسیعی اعمال می‌شود و تنها در مواردی محدود، مانند دادگاه‌های انقلاب اسلامی، دادگاه خانواده

دادگاه انقلاب

دادگاه نظامی

دادگاه اطفال و نوجوانان

دادگاه ویژه روحانیت

۲.۲ آثار اصل صلاحیت محاکم عمومی

اصل صلاحیت محاکم عمومی به عنوان یکی از مهم ترین اصول بنیادین نظام قضایی، دارای آثار و نتایج متعدد و اساسی در نظام حقوقی ایران است. این اصل علاوه بر تأثیر مستقیم بر سازمان قضایی، در تضمین عدالت، امنیت حقوقی و تحقق اصل برابری شهروندان نقش محوری ایفا می کند (Shambayati, 2018).

نخستین اثر مهم این اصل، تضمین حق دسترسی عمومی به عدالت است. با پیش بینی صلاحیت عام برای محاکم عمومی، همه افراد جامعه بدون تبعیض و فارغ از جایگاه اجتماعی و اقتصادی خود، امکان مراجعه به مرجع قضایی واحد و صالح را دارند. این رویکرد، تأمین کننده حق بنیادین دادخواهی مقرر در اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است (قانون اساسی، ۱۳۵۸، اصل ۳۴).

اثر دیگر، پیشگیری از پراکندگی و تشتت در مراجع قضایی است. اگر دعاوی مختلف به مراجع متعدد خاص ارجاع داده شوند، وحدت رویه قضایی دچار خدشه شده و احتمال صدور آراء متناقض افزایش می یابد. اصل صلاحیت محاکم عمومی با ایجاد مرجعی واحد و اصلی، موجب تقویت وحدت رویه و یکپارچگی نظام قضایی می شود (Shakeri et al., 2021).

سومین اثر، حفظ استقلال و بی طرفی محاکم است. اختصاص دعاوی به محاکم خاص، به ویژه در مواردی که ارتباط نزدیکی با نهادهای حاکمیتی یا اجرایی دارند، ممکن است استقلال قاضی و بی طرفی دادرسی را تحت تأثیر قرار دهد. در مقابل، محاکم عمومی با صلاحیت عام و ساختار مستقل خود، تضمین کننده اصل بی طرفی در رسیدگی ها هستند (Nourbaha, 2015).

یا دادگاه ویژه روحانیت، صلاحیت محاکم خاص پیش بینی شده است (Nourbaha, 2015).

به علاوه، شورای نگهبان نیز در نظرات تفسیری خود همواره بر رعایت اصل صلاحیت عام محاکم عمومی تأکید داشته و بر این نکته تأکید نموده است که استثنائات وارد بر اصل باید به صراحت و وضوح در قانون بیان شود و قابل توسعه به وسیله تفسیر موسع یا رویه قضایی نیست (مجموعه نظریات تفسیری شورای نگهبان، ۱۳۹۵: ص ۲۲۱).

به طور کلی، جایگاه اصل صلاحیت محاکم عمومی در حقوق ایران نه تنها تضمین کننده دسترسی عمومی به عدالت و مرجع صالح برای رسیدگی به تظلمات است، بلکه تضمین کننده وحدت، انسجام و شفافیت در فرآیند قضایی نیز به شمار می آید. این اصل از ارکان اساسی دادرسی منصفانه و عادلانه بوده و نقشی کلیدی در حفظ حقوق و آزادی های بنیادین شهروندان ایفا می کند (Rabiei, 2021; Rahmdel, 2020).

الف) مبنای قانونی

اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه ها و تعیین صلاحیت آن ها منحصرأ به موجب قانون است.»

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۴): اصل بر صلاحیت محاکم کیفری عمومی است و فقط در موارد خاص، صلاحیت محاکم اختصاصی (مانند دادگاه انقلاب یا نظامی) مطرح می شود.

قانون اساسی مشروطه (قبل از انقلاب): ماده ۷۱ به محاکم عدلیه به عنوان مرجع عام قضایی اشاره کرده بود.

ب) استثنائات

با وجود اصل عمومی بودن محاکم، در برخی موارد قانونگذار با توجه به ملاحظات تخصصی یا امنیتی، صلاحیت خاصی برای محاکم اختصاصی مقرر کرده است؛ از جمله:

وقتی اصل بر عمومی بودن محاکم باشد، امکان اعمال نفوذ سیاسی یا امنیتی به حداقل می‌رسد و عدالت کیفری به صورت عادلانه و یکسان اجرا می‌شود.

تحقق اصل قانونمندی دادرسی

اصلاح قوانین و نظارت بر روند قضایی، در محاکم عمومی ساده‌تر انجام می‌شود، زیرا رسیدگی‌ها در چارچوب قانون و با رویه‌های مشخص انجام می‌گیرد.

انتقادات به استثنائات اصل صلاحیت محاکم عمومی

اگرچه اصل بر صلاحیت عام محاکم عمومی است، قانونگذار در مواردی خاص، مراجع اختصاصی را برای رسیدگی به برخی دعاوی و جرایم پیش‌بینی کرده است. این استثنائات، هرچند در راستای کارآمدی و تخصصی شدن رسیدگی‌ها توجیه می‌شوند، اما همواره مورد انتقاد حقوقدانان و دکترین حقوقی قرار گرفته‌اند (Barahouei, 2016).

نخستین انتقاد وارد بر استثنائات اصل صلاحیت محاکم عمومی، تعارض با اصل برابری در برابر قانون است. تخصیص برخی دعاوی به محاکم خاص، موجب می‌شود اشخاص یا گروه‌های خاص از شرایط دادرسی متفاوتی بهره‌مند شوند و این امر می‌تواند ناقض اصل برابری شهروندان در برابر مراجع قضایی باشد (Boroujerdi & Tehrani, 2021).

دومین انتقاد مهم، کاهش شفافیت و انسجام در نظام قضایی است. تکرر مراجع اختصاصی، باعث بروز اختلاف رویه و تشتت در آراء قضایی می‌شود و وحدت رویه قضایی را به چالش می‌کشد. این مشکل به‌ویژه در دعاوی مشابه که ممکن است در مراجع مختلف با استدلال‌های متفاوت رسیدگی شوند، نمود پیدا می‌کند (Dehghan, 2020).

سومین انتقاد، مخاطره استقلال و بی‌طرفی قضات در محاکم اختصاصی است. در بسیاری از موارد، ساختار یا وابستگی سازمانی محاکم خاص به نهادهای اجرایی یا امنیتی، استقلال دادرسی را

چهارمین اثر، تقویت اصل تساوی در برابر قانون است. اصل صلاحیت محاکم عمومی مانع از این می‌شود که اشخاص یا گروه‌های خاص از امتیاز برخورداری از مرجع اختصاصی بهره‌مند شوند. بدین ترتیب، کلیه افراد جامعه تحت شرایط مساوی به یک مرجع قضایی مشترک ارجاع داده می‌شوند و از تبعیض جلوگیری می‌شود (Shakeri et al., 2021).

پنجمین اثر مهم، کاهش هزینه‌های دادرسی و تسهیل روند رسیدگی است. گسترش مراجع خاص، علاوه بر تحمیل هزینه‌های ساختاری به قوه قضاییه، موجب پیچیدگی و طولانی شدن فرآیند رسیدگی می‌شود. صلاحیت محاکم عمومی با تجمیع دعاوی و تمرکز رسیدگی‌ها، به ساده‌سازی دادرسی و تسریع در حل و فصل اختلافات کمک می‌کند (Mazhari, 2019).

در نهایت، اصل صلاحیت محاکم عمومی از منظر حقوق تطبیقی نیز اهمیت بسزایی دارد و در بسیاری از نظام‌های حقوقی پیشرفته، همچون فرانسه و آلمان، به عنوان یک اصل اساسی در طراحی ساختار قضایی شناخته شده است (Ansari, 2020a, 2020b). بنابراین، می‌توان گفت آثار اصل صلاحیت محاکم عمومی فراتر از یک قاعده شکلی، موجب تحقق اهداف کلان عدالت قضایی، ارتقای اعتماد عمومی به دستگاه قضا و حفظ نظم و انسجام نظام دادرسی کشور می‌شود.

تقویت اعتماد عمومی به قوه قضائیه

برگزاری جلسات علنی و امکان دسترسی رسانه‌ها به روند رسیدگی، باعث تقویت شفافیت و افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی می‌شود.

تضمین حق دفاع

در محاکم عمومی، به دلیل رعایت دقیق‌تر قواعد آیین دادرسی کیفری، متهم از تضمین‌های بیشتری در زمینه حق دفاع، دسترسی به وکیل، امکان تجدیدنظر و سایر حقوق دفاعی برخوردار است.

جلوگیری از تبعیض و اعمال نفوذ

کاهش شفافیت رسیدگی: محاکم اختصاصی معمولاً غیرعلنی یا محدود برگزار می‌شوند.

تضعیف حق دفاع: در برخی محاکم خاص، دسترسی کامل به وکیل یا امکان تجدیدنظر محدود است.

افزایش احتمال سوءاستفاده سیاسی: محاکم اختصاصی در مواردی می‌توانند به ابزاری برای سرکوب مخالفان یا حذف سیاسی تبدیل شوند.

«اصل صلاحیت محاکم عمومی» یکی از ارکان مهم عدالت کیفری و تضمین حقوق بشر در نظام‌های حقوقی معاصر است. این اصل، عدالت را برای همه شهروندان صرف‌نظر از جایگاه اجتماعی یا شغلی، تضمین می‌کند و تضمینی در برابر استبداد قضایی و سوءاستفاده از قدرت محسوب می‌شود. در عین حال، وجود محاکم اختصاصی باید به عنوان یک استثناء و با تفسیر مضیق اعمال شود و اصل بر صلاحیت عام و جامع محاکم عمومی باقی بماند.

اصل دیگری که در آئین دادرسی کیفری مطرح است، استثنائی بودن وجود محاکم اختصاصی است. یعنی در رسیدگی‌های کیفری اصل بر صلاحیت مراجع عمومی است، پس اینکه قانونگذار رسیدگی به جرمی را در صلاحیت مراجع اختصاصی قرار دهد امری استثنایی است (آشوری، همان: ۶۲) در مقررات کیفری ایران و در حوزه جرائم علیه امنیت این اصل با واگذاری رسیدگی به جرائم مزبور به دادگاه انقلاب استثناء شده است. مطابق بند الف ماده ۳۰۳ آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ رسیدگی به جرائم علیه امنیت در صلاحیت محاکم انقلاب است. این در حالی است که تنها محکمه اختصاصی در قانون اساسی دادگاه نظامی است و این حکایت از دیدگاه نویسندگان قانون اساسی در خصوص اکتفا به حداقل دادگاه‌های اختصاصی دارد. در زمینه محاکم نظامی شغل خاص سپاهیگری و جرایم خاص نظامی در آن فلسفه وجودی این محاکم است، لذا مستلزم دادگاه خاص با قضاوت ویژه است. حال

تحت تأثیر قرار داده و شائبه عدم بی‌طرفی را در ذهن شهروندان تقویت می‌کند. به عنوان نمونه، ساختار دادگاه‌های انقلاب و دادگاه‌های ویژه روحانیت، از منظر برخی منتقدان، می‌تواند استقلال قضایی را تضعیف نماید (Nourbaha, 2015).

چهارمین انتقاد، ایجاد دشواری در دسترسی به عدالت است. پراکندگی مراجع قضایی و وجود محاکم خاص، فرآیند ارجاع و پیگیری دعوا را برای افراد عادی دشوار می‌کند و می‌تواند موجب سرگردانی مردم و افزایش هزینه‌های مادی و معنوی دادرسی شود (Shambayati, 2018).

پنجمین انتقاد، افزایش هزینه‌های اداری و ساختاری قوه قضاییه است. ایجاد و اداره محاکم اختصاصی مستلزم تأمین نیروی انسانی، بودجه، زیرساخت و امکانات مستقل است که این امر بار مالی مضاعفی بر دوش دستگاه قضایی تحمیل می‌کند (Nourbaha, 2015).

در حقوق تطبیقی نیز، حقوقدانان بسیاری از جمله Cornu در فرانسه، نسبت به توسعه مراجع خاص و استثناء بر اصل صلاحیت عام، به دلیل تضعیف وحدت نظام قضایی و خدشه به اصول بنیادین دادرسی، موضع انتقادی اتخاذ کرده‌اند (Peymani, 2011).

به طور کلی، با وجود برخی ضرورت‌ها و مصالح در ایجاد محاکم خاص، گسترش استثنائات بر اصل صلاحیت محاکم عمومی می‌تواند تهدیدی جدی برای تحقق عدالت، تضمین حقوق بنیادین و حفظ اعتماد عمومی به دستگاه قضایی باشد. از این رو، حقوقدانان پیشنهاد می‌کنند تفسیر این استثنائات به صورت مضیق انجام گیرد و حتی الامکان از گسترش بی‌رویه آن‌ها جلوگیری شود (Shambayati, 2018).

هرچند در اغلب کشورها، محاکم اختصاصی (مانند دادگاه‌های نظامی یا انقلابی) به دلیل اقتضات امنیتی و حفاظتی تشکیل می‌شوند، اما این امر همواره با انتقاداتی همراه بوده است:

آنکه در دادگاه انقلاب موضوع رسیدگی عمدتاً جرایم امنیتی است که توسط هر شخصی قابل ارتکاب است.

جایگاه صلاحیت در محاکم نظامی

محاکم نظامی در بیشتر نظام‌های حقوقی به‌عنوان مراجع اختصاصی تلقی می‌شوند که صلاحیت آن‌ها صرفاً در خصوص جرایم خاص ارتكابی توسط نظامیان یا در ارتباط با مأموریت‌های نظامی تعریف می‌شود. در ایران و عراق، جایگاه و قلمرو صلاحیت محاکم نظامی هرچند شباهت‌هایی دارند، اما در جزئیات دچار تفاوت‌های اساسی‌اند که ریشه در ساختار حقوقی و سیاسی دو کشور دارد.

در حقوق ایران، محاکم نظامی بر اساس اصل ۱۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون دادرسی و مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ تأسیس شده‌اند. بر اساس این اصل، «برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای نیروهای مسلح، دادگاه‌های نظامی تشکیل می‌شود» (قانون اساسی، ۱۳۵۸، اصل ۱۷۲).

صلاحیت محاکم نظامی ایران عمدتاً شخصی و موضوعی است؛ بدین معنا که رسیدگی به جرایم ارتكابی توسط کارکنان نیروهای مسلح در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن، در صلاحیت این محاکم قرار دارد. به‌عنوان نمونه، اگر یک نظامی در حین مأموریت مرتکب جرم قتل یا سرقت شود، این جرم در صلاحیت دادگاه نظامی است، حتی اگر شاکی فرد غیرنظامی باشد (Nourbaha, 2015).

با وجود این، اصل بر صلاحیت محاکم عمومی است و محاکم نظامی به‌عنوان استثناء در نظر گرفته می‌شوند؛ بنابراین، باید به‌صورت مضیق تفسیر شوند (Nourbaha, 2015).

در عراق، صلاحیت محاکم نظامی بر اساس قانون دادرسی نظامی شماره ۴۴ سال ۱۹۵۸ و اصلاحات بعدی آن تعیین شده است. این محاکم عمدتاً در چارچوب وزارت دفاع و به‌عنوان بخشی از ساختار قضایی نظامی فعالیت می‌کنند. برخلاف ایران، در عراق

محاکم نظامی تنها بر جرایم ارتكابی توسط نظامیان در حین خدمت یا به مناسبت انجام وظیفه، صلاحیت دارند و صلاحیت آن‌ها در مواجهه با غیرنظامیان به شدت محدود شده است (Al-Janabi, 2020).

نکته قابل توجه این است که در دوره حکومت صدام حسین، محاکم نظامی عراق دامنه صلاحیت بسیار گسترده‌ای داشتند و حتی به جرایم غیرنظامیان نیز رسیدگی می‌کردند. اما پس از سال ۲۰۰۳ و با اصلاحات انجام‌شده در ساختار قضایی، صلاحیت این محاکم محدودتر و تحت کنترل شدیدتر قانون اساسی جدید عراق قرار گرفت (Al-Janabi, 2019).

در هر دو کشور، فلسفه وجودی محاکم نظامی، رسیدگی تخصصی و سریع به جرایم نظامیان به‌منظور حفظ نظم، انضباط و اقتدار نیروهای مسلح است. با این حال، در ایران دامنه صلاحیت محاکم نظامی اندکی گسترده‌تر از عراق باقی مانده و در موارد خاص می‌تواند شامل رسیدگی به جرایم عمومی نیز شود (Nourbaha, 2015).

از منظر انتقادی، هر دو کشور با چالش‌هایی همچون احتمال تضعیف اصل بی‌طرفی، محدودیت حق دفاع و دسترسی آزاد به دادگاه مواجه‌اند. برخی از پژوهشگران پیشنهاد می‌کنند که قلمرو این محاکم به‌صورت شفاف‌تر و محدودتر تعریف شود و کنترل دقیق‌تری از سوی دیوان عالی کشور یا دیوان عدالت اداری بر عملکرد آن‌ها اعمال گردد (Al-Janabi, 2020; Nourbaha, 2015).

یکی از مباحث مهم در حقوق کیفری، موضوع صلاحیت محاکم نظامی و جایگاه آن در نظام قضایی کشورها است. محاکم نظامی به‌عنوان مراجع قضایی اختصاصی، به‌طور ویژه برای رسیدگی به جرایم نظامیان و برخی جرایم خاص علیه امنیت ملی تأسیس شده‌اند. وجود این محاکم، ناشی از ضرورت رعایت نظم و انضباط ویژه در نیروهای مسلح و اقتضات امنیتی کشورهاست. با این

عراق گسترده‌تر در نظر گرفته است. در عراق، به دلیل تجربه‌های گذشته و سوءاستفاده‌های سیاسی از محاکم نظامی به‌ویژه در دوران حکومت صدام حسین، قانونگذار پس از ۲۰۰۳ تلاش کرده است دایره این محاکم را محدود و کنترل‌شده نگه دارد (Al-Janabi, 2020).

در مقابل، در ایران هنوز قلمرو این محاکم به‌نسبت وسیع‌تر است و امکان رسیدگی به برخی جرایم عمومی در شرایط خاص وجود دارد، هرچند همچنان اصل بر صلاحیت محدود و مضیق این مراجع است (Ansari, 2020a, 2020b).

جایگاه محاکم نظامی در حقوق ایران

محاکم نظامی در حقوق ایران، به‌عنوان یکی از نهادهای قضایی تخصصی، نقش مهمی در حفظ انضباط، اقتدار و کارآمدی نیروهای مسلح ایفا می‌کنند. فلسفه تشکیل این محاکم، تأمین استقلال در رسیدگی به جرایم خاص نظامیان و رعایت ویژگی‌های خاص خدمت نظامی است. بر اساس اصل ۱۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای نیروهای مسلح، محاکم نظامی تشکیل می‌شود. این اصل تصریح می‌کند که رسیدگی به جرایم عمومی این افراد یا جرایمی که مشمول مقررات عمومی است، در صلاحیت دادگاه‌های عمومی قرار دارد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸).

نظام حقوقی ایران در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، به‌طور مبسوط به تشریح صلاحیت، حدود و اختیارات محاکم نظامی پرداخته است. مطابق ماده ۵ این قانون، کلیه جرایمی که توسط نظامیان در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن ارتکاب می‌یابد، در صلاحیت محاکم نظامی قرار دارد. این رویکرد بر اساس لزوم صیانت از ساختار سلسله‌مراتب، حفظ امنیت داخلی نیروهای مسلح و رعایت اقتضائات خاص خدمتی طراحی شده است (قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، ۱۳۸۲).

حال، تشکیل این محاکم همواره باید در چارچوب اصل کلی صلاحیت محاکم عمومی و استثناء بودن محاکم اختصاصی مورد توجه قرار گیرد.

در حقوق ایران، مبنای حقوقی تشکیل محاکم نظامی، اصل ۱۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. این اصل مقرر می‌دارد که: «برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای نیروهای مسلح، محاکم نظامی تشکیل می‌شود، ولی رسیدگی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب می‌شوند، در صلاحیت محاکم عمومی است» (قانون اساسی، ۱۳۵۸، اصل ۱۷۲).

همچنین، قانون دادرسی و مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، به‌عنوان قانون عادی، به تفصیل محدوده صلاحیت، آیین دادرسی، و ساختار محاکم نظامی را تبیین کرده است. بر اساس این قانون، محاکم نظامی وظیفه دارند در چارچوب قانونی و تنها نسبت به جرایم مرتبط با وظایف نظامی رسیدگی نمایند (Nourbaha, 2015).

در عراق، مبنای حقوقی محاکم نظامی ابتدا در قانون دادرسی نظامی شماره ۴۴ سال ۱۹۵۸ شکل گرفت و سپس با تصویب قانون اساسی جدید عراق در سال ۲۰۰۵، این محاکم به‌صورت محدودتر و شفاف‌تر تعریف شدند. مطابق ماده ۹۹ قانون اساسی ۲۰۰۵ عراق، «تشکیل دادگاه‌های خاص ممنوع است، مگر در مواردی که قانون به‌طور صریح پیش‌بینی کند».

بر این اساس، محاکم نظامی در عراق صرفاً برای رسیدگی به جرایم ارتكابی توسط نظامیان در حین خدمت و به‌مناسبت وظایف نظامی تشکیل می‌شوند و صلاحیت آن‌ها نسبت به غیرنظامیان به‌صراحت محدود شده است (Al-Janabi, 2020).

با مقایسه دو نظام، مشخص می‌شود که هر دو کشور مبنای فلسفی مشترکی در ضرورت حفظ نظم و انضباط نیروهای مسلح دارند، اما از نظر حقوقی، ایران دامنه صلاحیت محاکم نظامی را نسبت به

محاكم نظامی در ایران دارای درجات مختلفی هستند و بر اساس نوع جرم و جایگاه مرتکب، دادگاه‌های نظامی یک، دو یا دیوان عالی نظامی تشکیل می‌شود. دادگاه نظامی یک، صلاحیت رسیدگی به جرایم مهم‌تر مانند افشای اطلاعات طبقه‌بندی‌شده یا خیانت را دارد و برای جرایم با درجه اهمیت پایین‌تر، دادگاه نظامی دو صالح به رسیدگی است. علاوه بر این، دیوان عالی نظامی به‌عنوان مرجع تجدیدنظر و فرجام‌خواهی عمل می‌کند (Boroujerdi & Tehrani, 2021).

یکی از ویژگی‌های مهم محاکم نظامی در ایران، رعایت اصول دادرسی عادلانه است. بر اساس قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری، متهمان نظامی از حق داشتن وکیل، حق دفاع، حق اعتراض به آرا و حق تجدیدنظرخواهی برخوردار هستند. با این حال، به دلیل ماهیت خاص جرایم نظامی و حساسیت‌های امنیتی، گاهی برخی محدودیت‌های قانونی در جریان تحقیقات و رسیدگی اعمال می‌شود (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲).

از منظر سیاست کیفری، محاکم نظامی در ایران ابزار مهمی برای تحقق انضباط و پیشگیری از ارتکاب جرایم در میان نیروهای مسلح به‌شمار می‌آیند. قانون‌گذار ایرانی تلاش کرده است با ایجاد این ساختار تخصصی، ضمن رعایت حقوق متهمان، اقتدار و انسجام نیروهای مسلح را نیز حفظ کند. این محاکم در عمل، نقش بازدارنده مهمی ایفا می‌کنند و با سرعت و دقت، به جرایم نظامیان رسیدگی می‌نمایند (Nourbaha, 2015).

در نهایت، می‌توان گفت محاکم نظامی در حقوق ایران جایگاهی کلیدی در تأمین امنیت داخلی نیروهای مسلح، حفظ سلسله‌مراتب و اعتماد عمومی به نظام دفاعی کشور دارند. این جایگاه از نظر حقوقی و اجرایی، نشان‌دهنده اهمیت بالای مسائل انضباطی و امنیتی در ساختار کلان حاکمیتی ایران است.

الف) مبنای قانونی

قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مصوب ۱۳۸۲

قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۴)، ماده ۵۹۱

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۷۲

جایگاه محاکم نظامی در حقوق عراق

محاکم نظامی در حقوق عراق از جایگاه مهم و استراتژیکی برخوردارند و به‌عنوان یکی از ارکان اصلی ساختار قضایی، وظیفه رسیدگی به جرایم ارتكابی اعضای نیروهای مسلح و نیروهای امنیتی کشور را بر عهده دارند. قانون اساسی عراق مصوب ۲۰۰۵ در ماده ۸۹، قوه قضائیه را مستقل معرفی کرده و تشکیل دادگاه‌ها را منوط به قوانین عادی دانسته است. بر این اساس، قانون دادگاه‌های نظامی عراق مصوب ۲۰۰۵ (اصلاح شده پس از ۲۰۰۳) به‌طور مشخص به سازمان‌دهی و تعیین صلاحیت محاکم نظامی پرداخته است (قانون اساسی عراق، ۲۰۰۵؛ قانون دادگاه‌های نظامی عراق، ۲۰۰۵).

بر اساس ماده ۲۴ قانون دادگاه‌های نظامی، این محاکم صلاحیت رسیدگی به تمامی جرایم ارتكابی توسط پرسنل نظامی در حین انجام وظیفه یا به‌مناسبت آن را دارند. این شامل جرایم امنیتی، جرایم علیه انضباط نظامی، و حتی برخی جرایم عمومی که در چارچوب فعالیت‌های نظامی اتفاق می‌افتد نیز می‌شود (قانون دادگاه‌های نظامی عراق، ۲۰۰۵).

محاکم نظامی در عراق از چند سطح تشکیل شده‌اند؛ دادگاه بدوی نظامی، دادگاه تجدیدنظر نظامی، و دیوان عالی نظامی. این ساختار سلسله‌مراتبی به‌منظور تضمین حق اعتراض و تجدیدنظر برای متهمان طراحی شده است تا اصول اساسی دادرسی عادلانه رعایت شود (Al-Janabi, 2019).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های محاکم نظامی عراق، تخصصی بودن کادر قضایی آنهاست. قضات این محاکم معمولاً از میان افسران حقوق‌دان یا قضات دارای تجربه قضایی-نظامی انتخاب می‌شوند. این امر، هم موجب تسلط کامل بر مقررات خاص نظامی و

انضباطی می‌شود و هم اقتدار محاکم نظامی را نزد نیروهای مسلح تقویت می‌کند (Al-Mawlawi, 2020).

علاوه بر این، محاکم نظامی در عراق نقش مهمی در حفظ امنیت ملی ایفا می‌کنند. در دوران پس از سقوط رژیم صدام حسین و به‌ویژه در زمان مبارزه با گروه‌های تروریستی نظیر داعش، محاکم نظامی به‌عنوان بازوی قضایی قوی برای مقابله با خیانت، جاسوسی، ترمرد و سایر جرایم امنیتی درون نیروهای مسلح عمل کردند. این نقش محوری باعث شد که صلاحیت و اختیارات گسترده‌تری برای این محاکم در نظر گرفته شود (Human Rights Watch, 2022).

با وجود این، نظام دادرسی در محاکم نظامی عراق مورد انتقاد برخی نهادهای حقوق بشری قرار گرفته است. محدودیت در دسترسی به وکیل، برگزاری جلسات غیرعلنی و دشواری در ارائه ادله دفاعی از جمله مسائلی است که چالش‌هایی در زمینه رعایت حقوق متهمان ایجاد کرده است (Amnesty International, 2022).

در جمع‌بندی، می‌توان گفت محاکم نظامی در حقوق عراق، به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از ساختار قضایی، وظیفه تضمین نظم و انضباط در میان نیروهای مسلح و صیانت از امنیت ملی را بر عهده دارند. این محاکم، هم از نظر قانونی و هم از حیث کارکرد امنیتی، جایگاهی کلیدی دارند و نقش حیاتی در حفظ اقتدار و انسجام ساختار نظامی کشور ایفا می‌کنند.

الف) مبنای قانونی

قانون دادرسی کیفری نظامی عراق، مصوب ۱۹۵۸

قانون مجازات عراق، ۱۹۶۹

محاکم نظامی عراق، به جرایم نظامیان در حین انجام وظایف یا مرتبط با امنیت و دفاع ملی رسیدگی می‌کنند.

ب) گستره صلاحیت

محاکم نظامی عراق به جرایم زیر رسیدگی دارند:

اقدام علیه امنیت ملی یا خیانت

تمرد، سرپیچی از اوامر مافوق، فرار از خدمت

آسیب یا تخریب تجهیزات نظامی

توهین یا خشونت علیه افسران مافوق

رسیدگی به جرایم نظامی

رسیدگی به جرایم نظامی، به دلیل حساسیت مأموریت‌ها و وظایف نیروهای مسلح، همواره موضوعی پیچیده و حساس در حقوق کیفری محسوب می‌شود. این دسته از جرایم، نه تنها نظم و انضباط داخلی نیروهای مسلح را هدف قرار می‌دهند، بلکه امنیت ملی و حاکمیت کشور را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین، قوانین بسیاری در سطح ملی و بین‌المللی به موضوع رسیدگی به جرایم نظامی پرداخته‌اند تا عدالت، نظم و امنیت در این حوزه تضمین شود.

روند رسیدگی به جرایم نظامی در حقوق ایران

الف) مبنای قانونی

قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۲

قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۴)، ماده ۵۹۱

اصل ۱۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ب) مرجع صالح

مطابق اصل ۱۷۲ قانون اساسی و ماده ۵۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری، به کلیه جرایم نظامی توسط دادسرا و دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود.

ج) مراحل رسیدگی

۱- مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی

معمولاً توسط سازمان قضایی نیروهای مسلح (بازپرسان ویژه) انجام می‌شود. در این مرحله، جمع‌آوری دلایل، بازجویی و قرار تأمین کیفری انجام می‌گیرد.

۲- مرحله کیفرخواست و ارجاع به دادگاه نظامی

پس از تکمیل تحقیقات، دادستان نظامی اقدام به صدور کیفرخواست و ارجاع پرونده به دادگاه نظامی می‌کند.

۳- مرحله دادرسی و صدور حکم

دادگاه نظامی با رعایت آیین دادرسی ویژه نظامی، به صورت تخصصی به پرونده رسیدگی و رأی صادر می‌کند.

۴- مرحله تجدیدنظر و فرجام‌خواهی

احکام قطعی نبوده و در صورت اعتراض، قابل بررسی در دیوان عالی کشور یا مراجع بالاتر قضایی نظامی هستند.

روند رسیدگی به جرایم نظامی در حقوق عراق

(الف) مبنای قانونی

قانون دادرسی کیفری نظامی عراق، مصوب ۱۹۵۸

قانون مجازات عراق (قانون شماره ۱۱۱ سال ۱۹۶۹)

(ب) مرجع صالح

در عراق، دادگاه‌های نظامی (المحاكم العسكرية) به جرایم نظامیان در حین خدمت یا در ارتباط با وظایف نظامی رسیدگی می‌کنند.

(ج) مراحل رسیدگی

تحقیقات مقدماتی توسط ضباط قضایی نظامی

صدور قرار جلب و بازداشت

ارجاع به دادگاه نظامی

امکان فرجام‌خواهی در دیوان عالی نظامی یا مراجع قضایی ویژه رسیدگی به جرایم نظامی، تلاقی میان امنیت ملی، انضباط نیروهای مسلح و حقوق متهم است. این جرایم، به دلیل تأثیر مستقیم بر نظم ارتش و امنیت کشور، در محاکم تخصصی نظامی رسیدگی می‌شوند. با وجود ضرورت تخصصی بودن این محاکم، رعایت اصول دادرسی عادلانه و تضمین حقوق بشر، باید همواره در اولویت باشد. در حقوق ایران و عراق، قانونگذار تلاش کرده است با پیش‌بینی مقررات خاص، میان اقتضائات امنیتی و عدالت کیفری تعادل برقرار کند.

وجه اشتراک ایران و عراق در این زمینه، توجه به لزوم رسیدگی تخصصی و امنیتی به جرایم علیه امنیت توسط نظامیان است. در هر دو کشور، این جرایم در صلاحیت انحصاری محاکم نظامی قرار دارد تا از مداخله محاکم عمومی و احتمال افشای اطلاعات حساس جلوگیری شود. با این حال، ساختار دقیق و سلسله‌مراتب قضایی نظامی در ایران تا حدی شفاف‌تر و با ضابطه‌مندتر شدن در فرآیند تجدیدنظر و فرجام‌خواهی همراه است، در حالی که در عراق، به دلیل شرایط سیاسی خاص و سابقه نظامی‌گری، ساختار محاکم نظامی بیشتر بر قاطعیت، سرعت و حفظ امنیت داخلی متمرکز است.

در مجموع، ساختار محاکم نظامی در دو کشور نشان می‌دهد که هرچند اصل صلاحیت محاکم عمومی بر همه جرایم حاکم است، اما در خصوص جرایم امنیتی نظامیان، به دلایل امنیتی و انضباطی، محاکم نظامی به‌عنوان استثناء قانونی و ضروری در نظر گرفته شده و همچنان بخش مهمی از سیاست کیفری ایران و عراق محسوب می‌شود.

از دیدگاه نظام کیفری ایران، رسیدگی به جرایم نظامی، در صلاحیت محاکم نظامی است، بنابراین از آنجایی که محاکم نظامی موظف به رسیدگی به جرایمی هستند که ارتکاب آن عمدتاً از سوی نظامیان امکان‌پذیر خواهد بود، لذا به عنوان محاکم خاص محسوب می‌گردند. به همین منظور دارای سازمان و تشکیلات دادرسی جدای از نظام قضایی در محاکم عمومی می‌باشند (Ardabili, 2003).

نتیجه‌گیری

در جرائم نظامی علیه امنیت، معمولاً شرایط تحقق قانون جرم، نسبت به جرم عادی، کمتر و اثبات آن‌ها سهل‌تر و آسان‌تر است. برای مثال، در جرائم عادی، معمولاً صرف تهیه مقدمات ارتکاب جرم قابل تعقیب و مجازات، حتی به عنوان شروع، تلقی نشده است لیکن در جرائم نظامی علیه امنیت، قانونگذار، گاهی اعمال

کسی که می‌داند دیگری درصدد جرم خیانت به کشور است ولی مسأله را به مأمورین اطلاع نمی‌دهد، جرم دانسته است و با مجازات چهارده سال حبس مواجه کرده است.

مطابق ماده ۱۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح: هر نظامی که برنامه براندازی به مفهوم تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران را طراحی یا بدان اقدام نموده و به این منظور جمعیتی تشکیل دهد یا اداره نماید یا در چنین جمعیتی شرکت یا معاونت موثر داشته باشد محارب محسوب می‌شود.

طبق بندهای «د» و «ه» ماده ۲۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح: هر نظامی که برای به دست آوردن اطلاعات طبقه بندی شده به نفع دشمن و یا بیگانه به محل نگهداری اسناد یا اطلاعات داخل شود، چنانچه به موجب قوانین دیگر مستوجب مجازات شدیدتری نباشد، به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌گردد. هر نظامی که عالماً و عامداً فقط به صورت غیر مجاز به محل مذکور وارد شود به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود.

مطابق بند الف ماده ۲۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح: هر نظامی که اسناد یا اطلاعات یا اشیاء دارای ارزش اطلاعات را در اختیار دشمن و یا بیگانه قرار دهد و این کار برای عملیات نظامی یا نسبت به امنیت تأسیسات، استحکامات، پایگاه‌ها، کارخانجات، انبارهای دائمی یا موقتی تسلیحاتی، توقف گاه‌های موقت، ساختمان‌های نظامی، کشتی‌ها، هواپیماها یا وسائل نقلیه زمینی نظامی یا امنیت تأسیسات دفاعی کشور مضر باشد به مجازات محارب محکوم خواهد شد.

مطابق بند ب ماده ۲۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح: هر نظامی که اسناد یا اطلاعات برای دشمن یا بیگانه تحصیل کرده و به هر دلیلی موفق به تسلیم آن نشود به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌گردد.

ماده ۲۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مطرح داشته است: هر نظامی که بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا سهل انگاری یا

مقدماتی را که در راستای ارتکاب جرائم نظامی علیه امنیت ارتکاب می‌یابند، به عنوان یک جرم خاص و تام پیش بینی کرده است. از جمله در عراق، تشکیل گروه مجرمانه برای ارتکاب رفتارهای تروریستی علیه شهروندان عراق و یا مقامات سیاسی این کشور تا سطح معاونان وزرا، جرم خاص محسوب شده است. قانون جزای این کشور، در مورد تبانی‌های مجرمانه امنیتی نیز همین موضع را برگزیده است.

گاه در جرائم نظامی علیه امنیت، برخی از تخفیف‌ها و ارفاق‌ها و مساعدت‌های معمول نسبت به مجرمان و مرتکبان، منع شده اند. به عنوان مثال، در عراق، در جرم «همکاری به صورت جاسوس کشورهای دیگر در قلمرو عراق و یا خارج از قلمرو عراق و به ضرر امنیت ملی و حاکمیت عراق» که در ماده ۴-۴۱ قانون جزای عراق، جرم انگاری شده، هیچ یک از نهادهای ارفاقی معمول در حقوق جزا از جمله تخفیف مجازات و تعلیق اجرای مجازات، پذیرفته نشده است.

اکراه که به طور معمول در جرائم عادی، عاملی برای رفع مسئولیت کیفری است، در جرائم نظامی علیه امنیت، دلیلی برای این امر محسوب نمی‌شود. مثلاً در عراق مجرم به اکراه شدن به ارتکاب جاسوسی، به هیچ وجه، دفاع مناسبی برای رفع اتهام جاسوسی نیست.

در نهایت، مطابق یکی از اصول پذیرفته شده در حقوق جزا، صرف عدم جلوگیری از ارتکاب جرم و عدم معرفی افراد دارای قصد ارتکاب جرم به مأمورین مربوطه از سوی افراد غیرمسئول، جرم تلقی نمی‌شود. این عمل، حتی به عنوان معاونت که نیاز به وحدت قصد و تقارن یا تقدم زمانی عمل معاون نسبت به مباشر دارد، نیز جرم محسوب نشده و قابل مجازات نیست لیکن برخی از قوانین در جرائم نظامی علیه امنیت، قائل به استثناء شده و این موارد را چنانچه در رابطه با این جرائم رخ دهند، جرم محسوب می‌کنند. برای مثال، ماده ۵۰ قانون جزای عراق مصوب ۲۰۰۱، مقرر داشته

عدم رعایت نظامات دولتی موجب افشای اطلاعات و تصمیمات یا از بین رفتن اسناد و مدارک مذکور در ماده ۲۶ این قانون شود، با توجه به طبقه بندی اسناد افشاء شده، به ترتیب ذیل محکوم می‌شود: الف- چنانچه اسناد، مذاکرات، اطلاعات یا تصمیمات عنوان به کلی سری داشته باشد، به حبس از شش ماه تا دو سال. ب- چنانچه اسناد، مذاکرات، اطلاعات و تصمیمات عنوان سری داشته باشد، به حبس از سه ماه تا یکسال. ج- چنانچه اسناد، مذاکرات، اطلاعات یا تصمیمات عنوان خیلی محرمانه داشته باشد، به حبس از دو ماه تا شش ماه. اصل یک صد و هفتاد و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به جرایم نظامی اشاره دارد بدون اینکه تعریفی از آن ارائه بدهد: برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد ولی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود.

در نظام حقوق کیفری عراق، جرائم نظامی علیه امنیت که تحت عنوان جرائم نظامی علیه ملت یا جرائم نظامی علیه دولت نیز شناخته شده و به کار می‌روند، با انواع جرائم نظامی علیه امنیت از جمله جرائم تروریستی روبرو هستیم که مطالعه رویکرد این کشور در این باره، می‌تواند به عمق ادبیات پژوهشی در کشور ما در باب نحوه مقابله با جرائم امنیتی بیفزاید.

در حقوق موضوعه عراق نیز شاهد تصویب قانون مجازات نیروهای نظامی عراق مصوب ۱۹۶۹م می‌باشیم. طبق ماده ۷ قانون مجازات نیروهای نظامی عراق هر حکمی که در مورد یکی از جرایم موضوع این قانون صادر می‌شود می‌تواند شامل موارد زیر باشد: الف: انفصال از خدمت در نیروهای مسلح ب: محرومیت از مدال و نشان و درجه نظامی.

همچنین ماده ۸ نیز مقرر می‌دارد: در صورت اثبات محکومیت متهم در دادگاه نظامی به حبس بیش از پنج سال ممکن است به یکی از مجازات‌های زیر محکوم شود: الف: محرومیت از ارشدیت در درجه ب: تنزل درجه به درجه ج: انفصال از خدمت در نیروهای مسلح.

مطابق ماده ۱۰ دادگاه نظامی در صورت وقوع جرمی که منجر به خسارات مادی به وجوه یا اشیای متعلق به دولت شود، می‌تواند متهم را به استرداد آن در صورت اثبات جرم یا پرداخت ارزش یا غرامت در ازای آن، اعم از اینکه متهم آن را برای خود گرفته، آسیب رسانده یا از دست داده، دستور دهد. به نحوی که مغایر با قوانین، تصمیمات و مقررات نیروهای مسلح نباشد و مطابق ضوابط عمومی وصول وجوه دولتی باشد.

طبق ماده ۱۴ قانون مجازات نیروهای نظامی عراق هر دشمن نظامی یا غیر نظامی که به صورت مبدل به پایگاه یا پایگاه نظامی یا جرایم مربوط به دشمن وارد مرکز نظامی، مؤسسه، کارگاه، اردوگاه یا هر مکان نیروهای مسلح و امنیتی به منظور جاسوسی و خرابکاری شود. به مجازات انتظامی محکوم می‌شود.

طبق ماده ۱۵ قانون مجازات نیروهای نظامی عراق هرکس به قصد خیانت در امانت یکی از جرایم زیر را مرتکب شود به اعدام یا به مجازاتی متناسب با عواقب جرم محکوم می‌شود: الف. تسلیم پادگان، پاسگاه یا پست به او یا انداختن سلاح، مهمات، مأموریت یا تجهیزات او بدون دلیل قانع کننده در مقابل دشمن تسلیم یا افشای او به کشور بیگانه یا دشمن یا هرکسی که به هر نحو به نفع او عمل کند، به هر طریقی که شده راز دفاعی باشد یا آن را به نفع دشمن نابود کند. ب: تسهیل در ورود دشمن به خاک جمهوری یا تحویل شهرها، قلعه ها، تأسیسات، سایت ها، بنادر، جزایر، انبارها، کارخانه ها، کشتی ها، هواپیماها، تجهیزات، وسایل ارتباطی، سلاح، مهمات، تجهیزات نظامی، تدارکات، مواد غذایی، دارو یا سایر مواردی که برای دفاع آماده شده است یا آنچه برای آن با

رساندن عمدی به عملیات رزمی یا قصد آسیب رساندن به آن‌ها با هر عمل یا رفتاری که به آن هدف می‌رسد.

هر دو کشور ایران و عراق، برای رسیدگی به جرائم امنیتی نظامیان، سیستم قضایی اختصاصی طراحی کرده‌اند که هدف اصلی آن حفظ محرمانگی اطلاعات نظامی و رعایت سلسله‌مراتب و نظم سازمانی نیروهای مسلح است.

در ایران، وجود دو سطح دادگاه (نظامی یک و دو) و امکان تجدیدنظر و فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور، نشان از ساختار منسجم‌تر و شفاف‌تر دارد. در مقابل، ساختار محاکم نظامی عراق، به دلیل شرایط خاص سیاسی و امنیتی، بیشتر مبتنی بر سرعت و قاطعیت در رسیدگی بوده و تجدیدنظر در دیوان عالی نظامی، صرفاً در پرونده‌های خاص و مهم پذیرفته می‌شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

In the contemporary legal landscape, the imperative of national security has profoundly shaped the structure and function of military judicial systems, particularly in jurisdictions experiencing prolonged geopolitical instability. Both Iran and Iraq exemplify legal systems wherein military courts possess specialized authority over crimes committed by armed forces personnel, particularly those that threaten national security. These legal structures derive legitimacy not merely from procedural necessity but from constitutional mandates designed to safeguard state sovereignty. In Iran, Article 172 of the Constitution delineates the formation of military courts for adjudicating crimes linked to military duties, whereas in Iraq, the foundation is rooted in the Military Criminal Procedure Law of 1958 and subsequent

تمام وسایل دفاعی که در اختیار دارد و بدون انجام هر کاری که وظیفه و ناموسی لازم است، دستیابی به اسرار دفاعی به هر طریقی به قصد تسلیم یا افشای آن به دشمن یا از کسانی که به نفع او هستند. ه: تأمین سلاح، مهمات یا تدارکات دشمن. و: تسلیم به سربازان دشمن که تحت امر او کار می‌کنند. ز: مکاتبات او با کشور خارجی یا دشمن یا اطلاع رسانی اخبار یا داده‌های او با خیانت یا تماس با او. ح: پیشنهاد او به دشمن مبنی بر تسلیم یا آتش بس یا برافراشتن پرچم یا پذیرفتن آتش بسی که از طریق خیانت به او پیشنهاد شده یا بدون داشتن اختیار قانونی یا بدون دستور صریح. ط: پخش، انتشار یا تکرار اخبار، اظهارات یا شایعات در حین خدمت میدانی به هر طریق به قصد ایجاد وحشت، رعب و وحشت یا ایجاد شکست در بین نیروها و این گونه اخبار، اظهارات یا شایعات منجر به تحقق آن شود. ی: کوتاهی عمدی در انجام وظیفه عملیات محوله یا تدارک آن‌ها یا انجام آن‌ها یا تکمیل اجرای آن‌ها یا تأمین آنها. ک: ممانعت از پیروزی، پیشرفت، حرکت یا تأمین امنیت کل نیروهای مسلح یا هر نیرو یا قسمتی از آن. ل: آسیب

reforms under the 2005 Constitution. This bifurcation of jurisdiction between civil and military courts is not merely functional but symbolic, reflecting a philosophical and legal recognition of the distinctiveness of crimes committed within a military context. Such differentiation ensures that offenses against national security, often perceived as more grievous due to their potential systemic ramifications, are met with a heightened degree of legal scrutiny and procedural specificity (Al-Janabi, 2019).

The distinction between general and military jurisdiction lies at the heart of this legal architecture. In both countries, a foundational legal principle is that jurisdiction must align with the nature of the crime and the status of the accused. Iran's procedural codes explicitly differentiate between general offenses and those intrinsically linked to military duties,

entrusting the latter to the jurisdiction of military courts (Nourbaha, 2015). Iraq, influenced by historical experiences with military authoritarianism, particularly under Saddam Hussein, has taken steps to limit the jurisdictional reach of military courts, confining them primarily to offenses occurring during official military duties (Al-Janabi, 2020). This legal constraint was institutionalized in the 2005 Constitution, reflecting a broader democratizing impulse to restrict exceptional jurisdictions. However, both systems retain the ability to swiftly adjudicate sensitive security-related offenses through military channels, emphasizing confidentiality, command hierarchy, and operational integrity. In doing so, they strike a delicate balance between preserving state security and maintaining the rule of law within the broader judicial framework.

A critical legal feature that further elucidates the role of military courts is the structure of their procedural safeguards—or in some instances, the selective limitation thereof. While Iran offers multiple layers of appeal, including access to the Supreme Court, Iraq's military judiciary, though hierarchically structured, places a premium on expedited decision-making, often in response to immediate security exigencies (Al-Mawlawi, 2020). Moreover, both systems exhibit a reluctance to extend leniency mechanisms—such as sentence suspension or mitigation—to defendants in national security cases. Iraqi law, for instance, expressly prohibits such leniency for offenses involving espionage or collaboration with enemy states, underscoring the zero-tolerance stance adopted toward breaches of national loyalty (Human Rights Watch, 2022). Iran's legal framework similarly treats attempted or incomplete offenses, such as the gathering of classified materials for potential transmission, as punishable acts, further illustrating the state's preventative ethos in handling military crimes. These

approaches reinforce the notion that military justice operates within a distinct legal and moral universe, wherein the preservation of collective security can, at times, supersede individual procedural rights.

From a comparative jurisprudence standpoint, the principle of general court jurisdiction remains a cornerstone of democratic legal systems and functions as a check against judicial exceptionalism. The Iranian legal system, through Article 34 of its Constitution and complementary statutory provisions, enshrines the general courts as the primary venues for dispute resolution, relegating specialized courts to exception status (Shambayati, 2018). This normative framework fosters legal uniformity, facilitates public access to justice, and ensures transparency and accountability. The expansion of special courts, including military tribunals, has been criticized for undermining these values by creating parallel judicial hierarchies that may operate with different standards and reduced oversight (Boroujerdi & Tehrani, 2021). Indeed, scholars argue that the proliferation of such courts risks fragmenting the legal system, weakening the predictability of legal outcomes, and impairing judicial independence. Iraq's legal reforms post-2003 appear to acknowledge these risks, and although military courts retain a functional necessity, their jurisdictional scope has been curtailed to mitigate their potential misuse as instruments of political repression (Dehghan, 2020).

Despite these concerns, military courts remain an integral part of both Iranian and Iraqi legal systems due to their perceived utility in ensuring internal military discipline and national security. Their structural existence is justified by the unique exigencies of military service, such as the need for rapid adjudication, confidentiality in sensitive matters, and an appreciation of hierarchical command structures. Nevertheless, their

operational legitimacy hinges on their compliance with broader principles of due process and fairness. In both countries, the effectiveness of these courts is contingent on the balance they strike between military necessity and individual rights. The Iranian system, with its more structured appellate process and legal recognition of defense rights, appears to offer a more rights-conscious framework, while the Iraqi model, shaped by decades of conflict and institutional reform, prioritizes procedural efficiency and state security. However, both systems have been subject to criticism from international human rights organizations, which argue that the concentration of judicial power within the military apparatus risks facilitating abuses unless counterbalanced by independent oversight (Amnesty International, 2022).

In conclusion, the structure and jurisdiction of military courts in Iran and Iraq reflect their respective legal traditions, historical legacies, and security priorities. Both countries have recognized the necessity of distinguishing military offenses—especially those endangering national security—from civilian criminal conduct. This recognition has led to the establishment of specialized judicial bodies equipped to handle such cases with requisite expertise and discretion. Yet, this specialization has also elicited ongoing debate concerning its implications for judicial fairness, legal transparency, and the universality of procedural protections. While Iran emphasizes hierarchical judicial review and preserves some constitutional safeguards within its military justice system, Iraq's post-authoritarian legal reforms have aimed to constrain the reach of military tribunals, though often at the expense of procedural depth. Ultimately, the challenge for both systems lies in reconciling the imperatives of national defense with the foundational principles of justice, equity, and human rights that define the legitimacy of any legal order.

References

- Al-Janabi, A. (2019). *Military Crimes and National Security in Iraq*. University of Baghdad Press.
- Al-Janabi, M. (2020). Iraq's Security Challenges Post-2003. *Baghdad Security Review*, 12, 110-130.
<https://doi.org/10.1080/10246029.2003.9627242>
- Al-Mawlawi, A. (2020). Iraq's Security Sector Reform Challenges.
- Amnesty International. (2022). Iraq: Judicial and Human Rights Challenges.
- Ansari, A. (2020a). *Criminal Policy in Military Crimes*. Majd Publishing.
- Ansari, A. (2020b). *Criminal Procedure for Armed Forces*. Majd Publishing.
- Ardabili, M. (2003). *General Criminal Law, Vol. 1*. Mizan Publishing.
- Barahouei, S. (2016). Review of Jurisdiction of Military Judicial Organization. *Dadsresi Journal*, 38.
- Boroujerdi, M., & Tehrani, S. (2021). *Iran's Foreign Policy and National Security*. Mizan.
- Dehghan, M. (2020). *National Security and Iran's Defense Policy*. National Defense University.
- Human Rights Watch. (2022). Iraq: Annual Report.
- Mazhari, A. (2019). Position of Security Crimes in Iran's Criminal Policy: Espionage, Trespassing, Propaganda Against the Regime, Bombing. *Journal of Political Science, Law, and Jurisprudence*, 5(1).
- Nourbaha, A. (2015). *Special Criminal Law: Crimes Against National and Public Security*. Mizan Publishing.
- Peymani, Z. (2011). *Special Criminal Law: Crimes Against National and Public Security*. Mizan Publishing.
- Rabiei, A. (2021). *Iraqi Penal Code of 1969 with Amendments*. Majd Scientific and Cultural Institute.
- Rahmdel, M. (2020). Espionage and Treason. *International Legal Studies Journal*, 8(28).
- Sajjadi, M. (2021). *Cyber Threats and National Security*. Passive Defense Organization.
- Shakeri, Y., Salehi, A., & Rezaei, G. H. (2021). Iran's Criminal Policy on Military Crimes. *Police Criminal Criminology Studies*, 2(4).
- Shambayati, H. (2018). *Special Criminal Law*. Majd.